

Moral differences in marriage, effects and consequences according to the Qur'an and hadith point of view

Seyed Mohammad Reza Hosaininia¹

Abstract

One of the conditions for spouse selection, according to Qur'an's and hadith's point of view, is maximum likeness and similarity between couples and resemblance in many ways, such as ethical and moral characteristics. The purpose of this study was to inform the younger generation in a descriptive-analytical way, by extracting the verses and narratives related to this issue in a new approach, while highlighting the importance of the truth, and analyzing the effects and consequences of ethically different marriages. The findings of the research indicates that couples' dissimilarity in ethical issues and their differences in the mentioned issues will have serious and irreparable consequences and results, some of which these include: personality disorder of children, breakdown of family's relationship, deprivation of decent children, perfidy in family's system, Moral deviation of children, creating the moral divergence of children through inheritance, Transferring ethical characteristics through lactation and Children's disobedience from parents' orders.

Keywords: spouse selection, couples compatibility, moral differences, different marriages.



¹. Assistant Professor in Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran. Mohhos313@yahoo.com

تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج؛ آثار و پیامدهای آن از منظر قرآن و حدیث

سید محمدرضا حسینی نیا*

چکیده

یکی از شروط همسرگزینی از دیدگاه قرآن و حدیث، کفویت و تشابه حداکثری زوجین از جنبه‌های مختلف، از جمله از جنبه ویژگی‌های اخلاقی است. این پژوهش با هدف آگاهی‌بخشی به نسل جوان و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است؛ ابتدا آیات و روایات مربوط به موضوع استخراج شد و بعد، با رویکردی جدید، ضمن بیان اهمیت کفویت، آثار و پیامدهای ازدواج‌های متفاوت از نظر اخلاقی بررسی و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عدم تشابه زوجین در مسائل اخلاقی و تفاوت آن‌ها در این مسائل، آثار و پیامدهای خطیر و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. شماری از این پیامدها عبارتند از: اختلال شخصیتی فرزندان، گسست خویشاوندی خانواده، محرومیت از داشتن فرزندان شایسته، پیمان‌شکنی در نظام خانواده، انحرافات اخلاقی فرزندان، ایجاد بسترهای اخلاق‌گریزی از راه وراثت، انتقال صفات اخلاقی از راه شیردهی و سرپیچی فرزندان از فرمان والدین.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. Mohhos313@yahoo.com



کلیدواژه‌ها

همسرگزینی، کفویت زوجین، تفاوت‌های اخلاقی، ازدواج متفاوت.

مقدمه

دین مبین اسلام، برخلاف دیگر ادیان و مکاتب بشری، توصیه‌های فراوانی در انتخاب همسر دارد و ملاک‌هایی مانند ایمان، عفت و حیا، کرامت اصل و نسب، عقل و ادب و... را معیارهای انتخاب همسر بیان کرده است (مصدر، ۱۳۹۸، ص ۳۹). از مجموع سخنان فقها در مبحث کفویت زوجین چنین برمی‌آید که اساسی‌ترین معیار موفقیت در امر ازدواج، توجه به تفاهم اخلاقی و سازگاری از حیث ایمان است (فرهادی آجرلو و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۷).

کفویت به معنای برابری و تشابه حداکثری زوجین در امور متعددی از جمله مسائل اخلاقی است. نقطه مقابل آن، عدم کفویت و تفاوت‌های زوجین در این مسائل است. با توجه به اینکه مسائل اخلاقی پرشمارند و بررسی همه آنها در یک مقاله نمی‌گنجد، در پژوهش حاضر، بعضی از مصادیق تفاوت‌های اخلاقی زوجین بررسی می‌شود؛ برای مثال، یکی از مصادیق این تفاوت‌ها، ازدواج زنان و مردان پاکدامن و متقی با مردان و زنان تبه‌کار، فاسد و فاسق است که در قرآن کریم و روایات معصومین (۴) از آن نهی شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ آیات و روایات مربوط به کفویت و همسان همسری از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری استخراج و بعد، تحلیل شد و برای هر یک از آنها عنوان مناسبی تعیین شد.

هدف پژوهش

صنعت ارتباطات و فناوری رسانه پیشرفت روزافزونی دارد و ابزارهای رسانه‌ای و فضای مجازی گسترش یافته است. جوانان با تأثیرپذیری از فضای مجازی به



ازدواج‌هایی تمایل پیدا کرده‌اند که اصل همسانی اخلاقی در آن مورد توجه نیست. هدف از نگارش مقاله حاضر، آگاهی‌بخشی به جوانان درباره آثار و پیامدهای این گونه ازدواج‌هاست.

سؤال پژوهش

از منظر قرآن و حدیث، تفاوت‌های اخلاقی در ازدواج چه آثار و پیامدهایی دارد؟

پیشینه پژوهش

درباره کفویت و همسان همسری پژوهش‌هایی انجام شده است؛ برای مثال، فاطمه اقتدایی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مسئله کفویت زوجین از دیدگاه فرق و مذاهب اسلامی»، موضوع کفویت را از دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده که معیارهای کفویت از دیدگاه اهل سنت عبارتند از: همسانی در نسب، دین، حریت، اسلام آباء و از نگاه امامیه عبارتند از: اسلام، ایمان و تمکن زوج.

اعظم شمس‌الدین مطلق، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی کفویت در نکاح و ضمانت اجرای آن در حقوق ایران»، به بررسی معنای شرعی و عرفی کفویت و ضمانت اجرایی آن پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که مواردی مانند تدلیس و عیوب هر یک از زوجین موجب فسخ نکاح می‌شود و این در حالی است که فقه و قانون درباره این موارد بحثی به میان نیاورده است.

مقالاتی نیز درباره این مسئله نگاشته شده است؛ از جمله «رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی» نوشته طاهره قادری و سمیه مردانی. نویسندگان این مقاله ۴۰۵ زوج را از نظر رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که همسان همسری سنی با ۹۹/۹٪، همسان همسری تحصیلی با ۹۹/۹٪، همسان همسری شغلی با ۹۹/۹٪ و همسان همسری طبقاتی با ۹۹٪ تأیید شده است.



غلام‌رضا رجیبی، باب‌الله بخشی‌پور و قدرت‌الله عباسی در مقاله «بررسی و مقایسه نظریه همسان همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی» دریافته‌اند که افراد تمایل دارند، شریک زندگی خود را بر اساس پنج مؤلفه روان‌رنجورخوبی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن انتخاب کنند. همچنین، دختران، برون‌گراتر، توافقی‌تر و وجدانی‌تر و پسران، روان‌رنجورترند.

سیده سمیه هاشمی‌نژاد و همکارانش در مقاله «همسان همسری از دیدگاه روان‌شناسی و مقایسه آن با کفویت در فقه» به این نتیجه رسیدند که روان‌شناسان نیز مانند فقها، همسان همسری را تأیید کرده و با فرض تحقق معیارهای اصلی می‌توان از دیگر معیارهای غیرضروری چشم پوشید.

با توجه به پیشینه پژوهشی مسئله کفویت، وجه امتیاز مقاله حاضر این است که فقط به بررسی جنبه اخلاقی ناهمسان همسری و آثار و پیامدهای آن در انحرافات اخلاقی فرزندان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ناهمسان همسری از نظر اخلاقی، می‌تواند آثار و پیامدهای خطرناک و جبران‌نشدنی به جای بگذارد.

مفهوم‌شناسی

کفویت:

کفویت از ریشه «کفا» به معنی مثل و نظیر بودن و تساوی در امور است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۴۱۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ص ۸۲) و در اصطلاح یعنی تساوی زوجین در اموری مانند دین (شریف مرتضی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۷)، تقوی و انسانیت (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۱۰)، سلامت از عیوب، حریت، نسب و رضاع (نووی، بی‌تا، ج ۱۶: ص ۱۸۴). شایان ذکر است در ادبیات معاصر، به جای کفویت از اصطلاح «همسان همسری» استفاده می‌شود که به معنی وصلت کردن یک زن و یک مرد با بیشترین وجوه مشابهت است (سالاری و دیگران، ۱۳۹۲، ش ۱۹: ص ۹۸).



۱- اهمیت همسان همسری در روایات

درباره همسان همسری روایات متعددی در منابع روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است که به شماری از آن‌ها اشاره می‌گردد؛ پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ کسی که از آن حضرت سؤال کرد: «دخترانمان را به چه کسانی تزویج کنیم؟» فرمود: «به اکفاء» و هنگامی که از مصداق اکفاء سؤال شد، فرمود: «الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛ بعضی از مؤمنان همسان دیگر مؤمنان هستند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۳۷). این حدیث به خوبی دلالت دارد بر اینکه مردان مؤمن باید همسران خود را از میان زنان مؤمن برگزینند و زنان مؤمن نیز باید همسران خود را از میان مردان مؤمن انتخاب کنند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایت دیگری فرمود: «أَنْكُحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكَحُوا فِيهِمْ وَاخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ؛ از افراد هم‌شان خود همسر انتخاب کنید و به افراد هم‌شان خود همسر بدهید و برای نطفه‌هایتان محل مناسب اختیار کنید» (همان، ص ۳۳۲). اهل سنت نیز روایاتی درباره همسان همسری نقل کرده‌اند، از جمله: «لا تَنْكَحُوا النِّسَاءَ إِلَّا الْأَكْفَاءَ؛ ازدواج نکنید مگر با همسان‌های خود» (دارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۳: ص ۲۴۴).

۲- آثار ناهمسان همسری اخلاقی

۲-۱. اختلال شخصیتی فرزندان:

یکی از پیامدها و آثار سوء ناهمسانی همسران، اختلال شخصیتی فرزندان است. شخصیت یعنی الگوی نسبتاً پایدار و بی‌همانند اندیشیدن، احساس و رفتار هر فرد (اسدورو، ۱۳۹۳، ص ۴۶۷). شخصیت انسان مجموعه‌ای است از رفتارهای خوب و شایسته یا بد و ناشایست. رفتارهای خوب و بد از دیدگاه ادیان مختلف، متفاوت است. با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دین بر رفتارهای آدمی، ناگزیر شخصیت انسان نیز متأثر از دینی است که بدان گرایش دارد؛ به‌طور مثال، شخصیت فرد معتقد به دین اسلام با شخصیت فرد معتقد به ادیان ابراهیمی مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشت و یا ادیان غیرابراهیمی مانند بودیسم و کنفوسیوس متفاوت است.



خانه و خانواده از جمله عوامل سازنده شخصیت انسان هستند (مرتضی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۳۱۸). بر این اساس، اگر در محیط خانه و میان اعضای خانواده اختلاف و ناهمسانی دینی وجود داشته باشد، فرزندان دچار اختلال شخصیتی می‌شوند و این مشکل به نوبه خود موجب بروز مشکلات فراوانی در جامعه خواهد شد. یادآوری می‌گردد اختلال شخصیتی فرزندان همسرانی که از نظر دین ناهمسان هستند، از دو عامل مهم وراثت و محیط تأثیر می‌پذیرد.

۲-۲. گسست خویشاوندی

یکی از مصادیق ناهمسان همسری اخلاقی، ازدواج زنان و مردان باتقوا با مردان و زنان شرابخوار است. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا؛ کسی که دختر باکرامت خود را به همسری مرد شرابخوار درآورد، به تحقیق خویشاوندی او را قطع کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۴۷).

این روایت بیانگر یکی از آثار سوء ناهمسان همسری، یعنی قطع رحم است. درباره اثر یادشده تبیین‌های مختلفی مطرح شده است؛ عده‌ای آن را به معنی متضرر شدن دختران باکرامت در ازدواج با شاربان خمر دانسته (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷: ص ۳۲۳) و بعضی این گونه وصلت را مایه تولد فرزندان ناقص الخلقه و موجب گسست خویشاوندی و ضایع شدن نسل خوانده‌اند (فلسفی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ص ۷۷). تبیین دیگر آن است که دائم الخمر بودن شرابخوار، کانون خانواده و به‌ویژه فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شرابخوار هیچ اقدامی برای تربیت فرزندان انجام نمی‌دهد و آن‌ها را به حال خود رها می‌کند.

در روایت دیگری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرمود: «هرگاه زنی فرمان مرد شرابخوارش را اطاعت کند، برای آن زن به عدد ستارگان آسمان گناه نوشته می‌شود و هر فرزندی که از آن همسر به دنیا بیاورد، نجس است و



هیچ عملی از او مورد قبول واقع نمی‌شود تا اینکه همسر شرابخوارش بمیرد یا زن از او طلاق خلع بگیرد^۱ (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۷۵).

۲-۳. محرومیت از داشتن فرزندان شایسته

داشتن فرزندان شایسته از آرزوهای هر انسان شایسته است. خداوند متعال از قول برخی پیامبرانش مانند حضرت زکریا فرموده است: ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾؛ آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: پروردگارا، از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی» (آل عمران: ۳۸). همچنین، خداوند درباره داشتن فرزندان ناشایست هشدار داده و فرموده است: ﴿وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ يُؤْتُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾؛ و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند.

پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [به‌جا و] درست بگویند» (نساء: ۹). یکی از زمینه‌ها و عوامل داشتن فرزندان شایسته انتخاب همسران همسان از نظر دینی و اخلاقی است. در مقابل، یکی از عوامل و زمینه‌های محرومیت از داشتن فرزندان شایسته، انتخاب همسران ناهمسان است.

در روایتی از حضرت علی عليه السلام آمده است: «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِيحَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِياعٌ؛ از ازدواج با زنان احمق پرهیزید؛ چرا که همنشینی با آنان مایه گرفتاری و زایش آنان ضایع کردن است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۵۴). در این روایت، به یکی از مصادیق ازدواج ناهمسان اشاره شده و آن، ازدواج مردان عاقل با زنان غیرعاقل است. معنی لغوی واژه «حمقاء» در این روایت کمی عقل است

۱. أَيْمَا امْرَأَةٍ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ هِيَ شَارِبَةُ الْخَمْرِ كَانَ لَهَا مِنَ الْخَطَايَا بَعْدُ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ كُلُّ مُؤَلَّودٍ يَلِدُ مِنْهُ فَهُوَ نَجِسٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهَا صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا حَتَّى يَمُوتَ زَوْجُهَا أَوْ تَخْلَعَ عَنْهُ نَفْسُهَا.



(جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ص ۱۴۶۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ص ۱۵۲) و در اصطلاح، به کسی گفته می‌شود که به دلیل جهل درباره کارهای زشت، هیچ چیزی را در جای خود قرار نمی‌دهد (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ص ۸۷).

به نظر می‌رسد ضایع شدن فرزندان که از آثار ناهمسان همسری و ازدواج عاقلان با احمقان است، به معنای هلاکت آن‌ها است که به صورت‌های مختلفی قابل تصور است؛ هم می‌تواند هلاکت جسمانی باشد، به این معنا که احمق توان نگهداری فرزندان را از خطرهای محتمل ندارد و موجب هلاکت آنان می‌گردد و هم می‌تواند هلاکت معنوی، اخلاقی و تربیتی آنان باشد. بر این اساس، انتخاب همسران کم‌عقل در محرومیت انسان از داشتن فرزندان شایسته تأثیر زیادی دارد.

۲-۴. پیمان شکنی در نظام خانواده

خداوند متعال مؤمنان را به وفا کردن به پیمان‌ها امر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید» (مائده: ۱). همچنین، یکی از ویژگی‌های مشرکان و کافران را نقض عهد و شکستن پیمان‌ها دانسته است؛ آنها گاهی عهد و پیمان‌های خداوند را می‌شکنند: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ﴾؛ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند» (بقره: ۲۷) و گاهی عهدهای خود با پیامبر و مؤمنان را نقض می‌کنند: ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾؛ همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و [از خدا] پروا نمی‌دارند» (انفال: ۵۶).

گفتنی است که خداوند در عبارت «وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ»، منشأ این نقض پیمان‌ها را بی‌تقوایی دانسته است. بدیهی است که این ویژگی را می‌توان به دیگر افراد و حتی به زندگی خانوادگی نیز تسری داد. آیه شریفه ﴿وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ﴾؛ و به پیوندهای قلبی کافران متمسک نشوید [و پایبند نباشید]» (ممتحنه: ۱۰) نیز مؤمنان و





مسلمانان را از اعتماد به پیمان مشرکان و کافران در زندگی مشترک و خانوادگی بر حذر داشته است.

در آیه یادشده، واژه امساک از ماده «مسک» به معنی بخل (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۳۲۰)، تعلق، دل بستن به چیزی و نگاهداری آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۸)، واژه عَصَم جمع «عصمه» به معنی سبب و بند (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ص ۳۶۹) و کوافر نیز جمع «کافره» و به معنی زنان کافر است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ص ۹). معنی این فراز از آیه آن است که نکاح‌های زنان کافر را نگاه ندارید (همان‌جا).

مفسران برداشت‌های مختلفی درباره این آیه بیان کرده اند؛ شماری آن را به معنی امید نداشتن به همسر مشرک و کافر دانسته (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ص ۳۰۴) و برخی نیز آن را به معنی نفی هرگونه پیوند میان کافر و مؤمن دانسته‌اند (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ص ۴۰۰). بنابراین، آیه بیانگر فسخ و بطلان عقد نکاح مردان مسلمان و زنان کافر و مفهوم آن به طریق اولویت، حرمت و نهی از ازدواج ابتدایی مردان مسلمان با زنان کافر است.

۳- پیامدهای ناهمسان همسری اخلاقی

۳-۱. انحرافات اخلاقی فرزندان

ناهمسانی و عدم تشابه همسران در مسائل اخلاقی، نقش عمده‌ای در انحرافات اخلاقی فرزندان دارد. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا﴾؛ و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید؛ و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید» (اعراف: ۵۸). بعضی از دانشمندان معاصر مبحثی را با عنوان تبعیت در ولادت ذیل این آیه مطرح کرده و معتقدند از موجود خبیث جز فرزند خبیث و از موجود پاک جز فرزند پاک متولد نمی‌شود. همچنین،



معتقدند طهارت و کرامت دو موروث و زائیده خانواده اصیل و صاحب دین هستند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۸).

بر این اساس، خداوند متعال برای پیشگیری از چنین پیامدی، هر گونه ازدواج ناهمساز را به ویژه در بعد اخلاقی منع کرده و فرموده است: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است» (نور: ۲). شایان ذکر است قرار گرفتن دو گناه شرک و زنا در یک ردیف نشان از برابری آن دو نزد خداوند متعال دارد و بدین دلیل فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾؛ و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند، و هر کس این ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد» (فرقان: ۶۸).

مسئله محوری در آیه بالا، زنا است. گناه زنا از جمله گناهانی است که در آیات و روایات متعدد نهی شده است: ﴿وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا﴾؛ و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است» (اسراء: ۳۲). در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«وَ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنَ الْقَتْلِ الْإِنْفُسِ وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرَكِ التَّزْوِجِ لِلْأَطْفَالِ؛ خداوند متعال زنا را حرام کرده به دلیل آنچه در آن است از فساد در کشتن جانها و از بین رفتن نسبها و رها کردن تربیت کودکان» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ص ۵۶۵).

با توجه به بزرگی گناه زنا از سویی و برحذر داشتن ازدواج با زناکاران از سویی دیگر به نظر می رسد، در صورت رخداد چنین ازدواجی آثار شوم آن هم گریبان گیر زنان و مردان پاکدامن می شود و هم فرزندان آنان؛ زیرا بر اساس قانون وراثت، اگر میل به عمل زنا در نفس رسوخ کرده باشد، احتمال انتقال آن به فرزندان



نیز ممکن است. امام هادی علیه السلام در این باره فرمود: «پس، هنگامی که مردی با همسرش، با قلب و رگ‌هایی آرام و بدنی نامضطرب همبستر می‌شود، نطفه در رحم جای می‌گیرد و فرزندی که متولد می‌شود، به پدر و مادر شباهت دارد»^۱ (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۹۷).

از آن رو که عبارت «یَشْبَهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ» اطلاق دارد، شباهت فرزندان به پدر و مادر را در همه ویژگی‌ها شامل می‌شود. بنابراین، اگر پدر و مادر به انجام گناه تمایل داشته باشند، فرزندی که از آنان متولد می‌شود نیز ممکن است این ویژگی را داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، زنا نظام خانواده را فاسد می‌کند و زمینه‌های تربیت غیراخلاقی و نادرست را فراهم می‌کند؛ از این رو، لازم است برای پیشگیری از تولید و تربیت نسل غیراخلاقی و غیردینی، به مسئله همسان همسری به‌ویژه از نظر اخلاقی توجه شود.

بنابراین، تشابه زوجین در داشتن همه فضایل اخلاقی و عاری بودن آن‌ها از رذایل اخلاقی ضروری است. خداوند متعال با تأکید بر این ضرورت فرموده است: ﴿الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾؛ زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک» (نور: ۲۶). بعضی از مفسران، این آیه را از جمله آیات دلالت‌کننده بر همسان همسری اخلاقی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۶۱۳؛ تستری، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ص ۱۱۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴: ص ۴۱۷؛ نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ص ۹۲؛ جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۴۰۰؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۸: ص ۹۲). خبیث، در لغت، به معنی هر چیزی است که در مقابل طیب باشد و به اعمالی مانند زنا اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳: ص ۱۲) و در اصطلاح، به هر چیز

۱. فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ بِقَلْبٍ سَاكِنٍ وَ عُرْوِقٍ هَادِيَةٍ وَ بَدَنٍ غَيْرِ مُضْطَرِبٍ اشْتَكَنَتْ تِلْكَ النُّطْفَةُ فِي تِلْكَ الرَّجْمِ فَخَرَجَ الْوَلَدُ يَشْبَهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ.

فاسدی گفته می‌شود که مانند گیاه پیوسته در حال رشد کردن است (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ص ۴۲۴).

۳-۲. ایجاد بسترهای اخلاق‌گزیزی از راه وراثت

یکی از اصول پذیرفته شده در علوم جدید، انتقال صفات از والدین به فرزندان از طریق وراثت است. قرآن کریم درباره انتقال صفات کمالی و فضایل اخلاقی پیامبران پیشین به پیامبران پسین از نسل خود، از راه وراثت، فرموده است: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ؛ فرزندان آنی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند» (آل عمران: ۳۴). همچنین، در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«مَثَلُ أَوْلَادِكُمُ الَّذِينَ يُولَدُونَ مِنْكُمْ كَمَثَلِ الزَّيْتِ الَّذِي يَعَصْرُ مِنَ الزَّيْتُونِ؛ مثل فرزندان شما که از شما متولد می‌شوند، مثل روغنی است که از زیتون گرفته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ص ۳۸۱).

به نظر می‌رسد وجه تشبیه آن است که چنانکه خواص دانه‌های زیتون به روغن آن انتقال می‌یابد، ویژگی‌های والدین نیز به فرزندان منتقل می‌شود. بر این اساس، یکی از آثار سوء ناهمساز همسری در نظام خانواده، انتقال صفات زشت و رذایل اخلاقی راسخه در همسران به فرزندان (از طریق وراثت) است. البته پذیرش این سخن هرگز به معنای نفی اراده و اختیار انسان در تصمیم‌گیری‌ها و کارهای خود نیست، بلکه چنانکه برخی صاحب‌نظران معاصر گفته‌اند، انتقال صفات والدین به فرزندان به منزله علل ناقصه‌اند و نقش بسترسازی و زمینه‌ای دارند و علت تامه نیستند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ص ۲۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۲۴۵).

یکی از مصادیق انتقال صفات از والدین به فرزندان، مردمان عصر حضرت نوح علیه السلام هستند. آن حضرت پس از قرن‌ها تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی در امر هدایت مردمان عصر خویش و بی‌نتیجه بودن زحمات، آنان را نفرین کرد و به خداوند متعال عرض کرد: ﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾؛ و نوح گفت:





پروردگارا، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار» (نوح: ۲۶). حضرت نوح، حکمت نفرین خود را پیشگیری از تولد فرزندان بدکار و کافر دانسته است: ﴿إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَتَّبِعُوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾؛ چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلید کار ناسپاس نزنند» (نوح: ۲۷).

این آیه بیانگر مسئله انتقال رذایل اخلاقی و اعتقادات انحرافی از والدین به فرزندان است. شماری از مفسران پیش‌بینی حضرت نوح عليه السلام را درباره تولد فرزندان فاجر و کافر، از اخبار غیبی خداوند به حضرت نوح در این آیه شریفه دانسته‌اند: ﴿وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾؛ و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد. پس، از آنچه می‌کردند غمگین مباش» (هود: ۳۴). (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۳۶۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ص ۶۳، طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۱۴۲).

از مجموع آیات بالا به دست می‌آید که دلیل تولد فرزندان با ویژگی‌های کفر، فجور و بی‌ایمانی به حضرت نوح (۷)، تأثیرگذاری والدین بر فرزندان از راه وراثت بوده است.

۳-۳. انتقال صفات اخلاقی از راه شیردهی
انتقال صفات مادر به فرزندان از طریق شیردهی از جمله مسائلی است که اگرچه به‌طور صریح در روایات نیامده است، با تحلیل روایاتی که درباره ویژگی‌های زن شیرده آمده می‌توان به آن دست یافت. در روایتی از امام باقر عليه السلام آمده است که آن حضرت به محمد بن مروان فرمود:

«اشْتَرَوْضِعَ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ وَ إِيَّاكَ وَ الْقَبَاحَ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يَعْدِي؛ از زنان نیکوکار برای

فرزندت طلب شیر کن و از زنان بدکار و زشت‌منظر بپرهیز؛ چرا که به تحقیق شیر

تأثیرگذار است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۴۴).



همچنین، در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

«تَوَفَّوْا عَلَيَّ أَوْلَادِكُمْ مِنْ لَبَنِ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْمَجْثُومَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي؛ نگاه دارید فرزندان خود را از شیر زنان بدکار و دیوانه، زیرا شیر آنان اثرگذار است» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۵).

عبارت «فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعْدِي» در روایت اول و عبارت «فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي» در روایت دوم بیانگر آن است که کودک شیرخوار از خوبی‌ها و بدی‌های شیردهنده متأثر می‌شود. از جمله شواهدی که مؤید این تأثیر است، واقعه حرام کردن شیر همه دایه‌ها بر حضرت موسی علیه السلام و هدایت مأموران به سوی مادر آن حضرت از جانب خداوند متعال است: ﴿وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾؛ و از پیش، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم. پس [خواهرش آمد و] گفت: آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص: ۱۲).

برخی مفسران، تحریم تکوینی شیر زنان شیرده بر حضرت موسی علیه السلام را به دلیل آلوده بودن شیرها به حرام از قبیل: دزدی، رشوه و غصب اموال دیگران (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ص ۳۶) و بعضی نیز آن را به دلیل جلوگیری از تأثیرات تربیتی مادر بر فرزند از راه شیردهی دانسته‌اند (کاشانی، بی‌تا، ج ۷: ص ۵۴؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ص ۱۰۸). انتخاب حلیمه سعیدیه برای شیردادن به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز شاهی است بر اهمیت این مسئله. بیشتر عالمان از حلیمه به نیکی یاد کرده‌اند و بعضی برآند که وی از زنان معروف به پاکدامنی، حیا، شرافت و کرامت بوده است (کجوری، ۱۳۸۰: ص ۱۰۶).

در هر حال، با فرض مشرک بودن زنان، در ازدواج ناهمسان اخلاقی احتمال انتقال صفت رذیله از راه شیردهی به فرزندان وجود خواهد داشت و این احتمال عقلایی خود می‌تواند انگیزه و دلیل قابل قبولی برای پرهیز از این گونه ازدواج باشد. بدین ترتیب، در مسئله ناهمسان همسری، اگر یکی از زوجین یا هر دوی آنها

متصف به رذایل اخلاقی باشند، احتمال تأثیر آن بر فرزندان زیاد است و تنها راه پیشگیری از این پیامد، رعایت همسان همسری از نظر اخلاقی است.

۳-۴. سرپیچی از فرمان والدین

یکی از مباحث اخلاقی، احترام به والدین و اطاعت از اوامر آنهاست. این وجوب اطاعت در برخی موارد شدت می‌یابد؛ به‌ویژه اگر پدر افزون بر مقام پدری دارای مقام نبوت نیز باشد. یکی از مهم‌ترین مصادیق سرپیچی فرزند از پدر، سرپیچی پسر حضرت نوح علیه السلام از آن حضرت است. او در ایمان آوردن به دین آن حضرت و پایبندی به اوامر و نواهی خداوند سرپیچی کرد.

پسر حضرت نوح علیه السلام آنقدر بر نافرمانی از پیامبر خدا و گمراهی خویش اصرار داشت که خداوند متعال درباره او به آن حضرت فرمود: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ فرمود: ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است» (هود: ۴۶). به نظر می‌سد یکی از عوامل انحراف اخلاقی فرزند حضرت نوح علیه السلام ناهمسازی اخلاقی همسر نوح علیه السلام با اوست. خداوند متعال در این باره فرمود: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحٍ وَ امْرَأَتُ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا﴾؛ خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آن‌ها خیانت کردند» (تحریم: ۱۰).

نکته‌ای که خداوند متعال درباره همسر آن حضرت بدان اشاره کرده است، عبارت «فَخَانَتَاهُمَا» است؛ بیشتر مفسران معتقدند منظور از این عبارت، کافر بودن همسران نوح و لوط علیه السلام است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸: ص ۱۰۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶: ص ۳۰۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ص ۳۵۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۱۱۱۴، طوسی، بی تا، ج ۱۰: ص ۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۴۷۹)، اما برخی نیز عبارت مذکور را به معنی خیانت آن‌ها به همسرانشان که پیامبر بودند - با آزار و اذیت آن دو از طریق



افشای اسرار و کمک کردن به دشمنان آنان - دانسته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ص ۳۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ص ۳۰۲). عبارت «فَخَانَتْهُمَا» به هر معنایی که باشد بر ناهمسانی همسران دلالت دارد؛ تفسیر اول بیانگر ناهمسانی دینی و تفسیر دوم بیانگر ناهمسانی اخلاقی است.



نتیجه‌گیری

کفویت زوجین که به معنای تشابه حداکثری زوجین در بسیاری از مسائل و به‌ویژه در اخلاق است، از شروط مهم ازدواج به‌شمار می‌آید. این مسئله از چند آیه قرآن کریم برمی‌آید و بر روایات فراوانی مبتنی است که در منابع روایی شیعه و سنت وارد شده است. از مجموع ادله چنین برداشت می‌شود که رعایت همسان همسری موجب سعادت‌مندی اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان می‌شود و بی‌اعتنایی به آن مایه شقاوت خانواده و فرزندان می‌گردد. ناهمسان همسری اخلاقی دارای پیامدهایی به شرح زیر است:

۱- کانون خانواده محل شکل‌گیری شخصیت انسان است و تحقق این مهم معلول علل و عوامل متعددی است که مهم‌ترین آن‌ها همسانی همسران از نظر اخلاقی است. در نتیجه، ناهمسانی موجب اختلال شخصیتی فرزندان می‌گردد.

۲- اتصال و پیوستگی نسل‌ها از مهم‌ترین اهداف ازدواج است. این هدف هنگامی محقق می‌شود که همسران از نظر اخلاقی همسان باشند. در صورت تخطی یکی از همسران و یا هر دوی آنها از اصول اخلاقی، گسست خویشاوندی و نسلی رخ می‌دهد.

۳- داشتن فرزندان صالح از آرزوهای هر انسان شرافتمندی است. برآورده شدن این آرزو منوط به برابری همسران در رعایت مسائل اخلاقی است. عدول از این اصل، همسران را از داشتن فرزندان شایسته محروم خواهد کرد.

۴- وفای به پیمان، از دستورهای مؤکد اسلام است. برخی از پیمان‌ها میان اعضای خانواده بسته می‌شود و اگر همسان همسری رعایت نشود، پیمان‌شکنی در نظام خانواده حاکم خواهد شد.

افزون بر آثاری که برای ناهمسان همسری شمرده شد، پیامدهای خطیر دیگری نیز بر آن مترتب است؛ در ازدواج‌های ناهمسان، فرزندان در معرض انحرافات اخلاقی قرار می‌گیرند، بسترهای اخلاق‌گریزی از راه وراثت ایجاد می‌شود و



در نهایت، صفات و ویژگی‌های زشت اخلاقی از همسران ناهمسان به فرزندان انتقال می‌یابد.

در پایان، با توجه به اهمیت کفویت در ازدواج، پیشنهادهای زیر برای انجام پژوهش‌های دیگر در این زمینه ارائه می‌گردد:

- تحقیق درباره هر یک از آثار و پیامدهای یادشده به‌طور جزئی و تخصصی؛
- بررسی راه‌های پیشگیری از ازدواج‌های ناهمسان؛
- آسیب‌شناسی روان‌شناختی ناهمسان همسری.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم، چ ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. اسدورو، لستر. ام. (۱۳۹۳)، روان شناسی، ترجمه جهانبخش صادقی، چ ۸، تهران: سمت.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق)، تفسیر التستری، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق ابن عاشور، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاهین، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان، ج ۲، قم: اسراء.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، ج ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۰ق)، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، تحقیق فارس حسون، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. دارقطنی، علی بن عمر (۱۳۸۶ق)، سنن دارقطنی، تحقیق سید عبدالله هاشم یمانی مدنی، ج ۳، بیروت: دارالمعرفة.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، قم: الشریف الرضی.



۱۳. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات محمد علی بیضون.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۶. سالاری، اسماعیل، لادن معین و سوسن حقیقی (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان همسری، با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل»، زن و مطالعات خانواده، دوره ۶، ش ۱۹، ص ۹۵-۱۱۴.
۱۷. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۲)، تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، تهران: میقات.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۷ق)، الناصریات، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیة.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲ و ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. _____ (۱۳۸۵)، علل الشرایع، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری.
۲۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم، ج ۴ و ۶، اردن: دارالکتب الثقافی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. _____ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، ج ۵ و ۱۰، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۲۸ و ۲۹، بیروت: دارالمعرفة.





۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، ج ۵، چ ۳، تهران: مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح أحمد حبیب عاملی، ج ۱۰، بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، ج ۵، چ ۲، قم: هجرت.
۲۸. فراهیدی آجرلو، صالح، ابوالحسن مجتهد سلیمانی و سیدعلی خزائی (۱۳۹۸)، «ارزش‌گذاری اخلاقی و کفایت فقهی و حقوقی زوجین»، پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۹، ش ۴، ص ۱۹۷-۲۱۲.
۲۹. فلسفی، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، الطفل بین الوراثة و التریبة، تحقیق فاضل الحسینی المیلانی، ج ۱، قم: مکتبة الوجود.
۳۰. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، تحقیق عون سود، محمدباسل، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۳۱. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۲. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا)، منهج الصادقین فی الذم المخالفین، ج ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۳. کجوری، محمدباقر (۱۳۸۰)، الخصائص الفاطمیة، تحقیق سیدعلی جمال اشرف، قم: شریف الرضی.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمدآخوندی، ج ۵، ۸ و ۶، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ق)، نتائج الافکار، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۶. مازندرانی، محمدصالح (۲۴۲۱ق)، شرح اصول کافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، ج ۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۷. محدر، تقی (۱۳۹۸)، «تحلیل فلسفی نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در نهاد خانواده»، فصلنامه ترویجی اخلاق، دوره ۱۵، ش ۵۷، ص ۶۱-۳۵.


۳۸. مرتضی، سیدجعفر (۱۴۱۵ق)، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۴، بيروت: دارالهادی للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۹. مراغی، احمدمصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، ج ۱۸، بیروت: دارالفکر.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳ و ۱۰، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، ج ۲ و ۷، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۴۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، ج ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۴، ۱۶ و ۲۴، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۵. نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة منشورات دار بیضون.
۴۶. نووی، محیی الدین (بی تا)، المجموع، ج ۱۶، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴۷. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق ضوان عدنان داودی، ج ۲، بیروت: دارالقلم.



Bibliography

1. *The Holy Quran*, (1994), translated by Fooladvand, M. Tehran: Daftar Motaleaat Tarikh va Maahref Islami (In Arabic).
2. Dailami, H. (1412 AH), *Ershad al-Qolub ela al-Savab* (Arabic), vol. 1, Qom: al-Sharif al-Razi.
3. Dar Qatani, A. (2007), *Sunan Dar Qatani* (Arabic), research by Seyyed Abdullah Hashem Yamani Madani, vol. 3, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
4. Dinvari, A. (1424 AH), *al-Wazeh Fi Tafsir al-Quran al-Karim* (Arabic), vol. 2, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiyah, publications of Mohammad Ali Beizoon.
5. Falsafi, M. (1426 AH), *al-Tefl Bayn al-Verasa va al-Tarbiyah* (Arabic), research by Fadhil al-Husseini al-Milaani, vol. 1, Qom: Maktabat al-auhad.
6. Farahidi, Kh. (1409 AH), *Kitab al-Ain* (Arabic), vol. 5, Second Edition, Qom: Hijrat Publishing.
7. Farhadi Ajorlu, S., Mojtahed Soleimani, A. & Khazaei, A. (2019), "Moral Valuation and Couples' Jurisprudential and Legal Sufficiency"(Farsi), *Ethical Research*, Vol. 9, No. 4, p. 197-212.
8. Ghasemi, Jamal al-Din, (1418 AH), *Mahasen al-Tavil* (Arabic), Reseach by Aoun Sood & Mohammad Basal, vol. 7, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah, Mohammad Ali Beizoon's publications.
9. Ghorashi, A. (1392), *Qamous Quran* (Farsi), Vol. 5, Tehran: Dar al-Kotob al-Islami.
10. Golpayegani, M. (1413 AH), *Natayej al-Afkar* (Arabic), Qom: Dar al-Quran al-Karim.
11. Helli, H. (1410 AH), *Ershad al-azhan ela ahkam al-Iman* (Arabic), research by Fars Hassoun, vol.1, Qom: Daftar Entesharat Islami.
12. Ibn Fares, A. (1404 AH), *Mojam maghaeis al-Loghat* (Arabic), Edited by Abdul Salam Mohammad Haroon, pub .1, Qom: Maktab al-Alam al-Islami.
13. Ibn Shuba Harrani, H. (1404 AH), *Tohaf al-oqool* (Arabic), research by Ghaffari A., Second Edition, Qom: Jame' Modaresin.
14. Jassas, A. (1415 AH), *Ahkam al-Quran* (Arabic), Research by Abd al-Salam Mohammad Ali Shahin, vol. 3, Beirut: Dar al-Kotob al-Alamiy.
15. Javadi Amoli, A. (2009), *Adabe Fanae Muqharban* (Farsi), vol. 2, Qom: Esraa Institute.
16. Johari, I. (1376 AH), *al-Sehah* (Arabic), vol. 4, Beirut: Dar al-Elm lelmolaein.
17. Kajouri, M. (2001), *al-Khasa'is al-Fatimiyah* (Arabic), research by Seyyed Ali Jamal Ashraf, Qom: Sharif al-Razi.
18. Kashani, F. (n.d), *Manhaj al-Sadiqin Fi al-Zam al-Mukhalifin* (Arabic), Vol. 7, Tehran: Islamiyah.
19. Koleyni, M. (1407 AH), *al-Kafi* (Arabic), research by Ghaffari A. and Akhundi m., vol. 5, 6 & 8, Forth Edition, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya
20. Makarem Shirazi, N. (1992), *Tafsir Nemone* (Farsi), Vol. 4, 16 & 24, Tenth Edition., Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
21. Maraghi, A. (n.d), *Tafsir al-Maraghi* (Arabic), vol. 18, Beirut: Dar al-Fikr.
22. Mazandarani, M. (1421 AH), *Sharhe osoule kafi* (Farsi), Research by Abolhassan Sha'rani, Vol. 5, Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi.
23. Mesbah Yazdi, M. (2012), *Ethics in Quran* (Farsi), Vol. 1, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
24. Moghatel Ibn Suleiman (1423 AH), *Tafsir Muqatil Ibn Sulayman* (Arabic), Resesarch by Abdullah Abdullah Mahmoud Shahata, vol. 4, Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi.
25. Mohdar, T. (2019), "Philosophical Analysis of the Role of Monotheism in Visual Virtues, Tendency and Behavior in the Family Institution" (Farsi), *Moral Extension Quarterly*, Vol. 15, No. 57, p.35-61.
26. Morteza, J. (1415 AH), *al-Sahih Men Sirat al-Nabi al-Azam* (Arabic), vol. 4, Beirut: Dar al-Hadi.
27. Mughniyeh, M. (1424 AH), *al-Tafsir al-Kashif* (Arabic), vol. 2 & 7, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
28. Mustafavi, H. (1430 AH), *al-Tahqiq Fi Kalamat al-Quran* (Arabic), vol. 3 & 10, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiya.
29. Nahas, A. (1421 AH), *Erab al-Qur'an* (Arabic), vol. 3, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah, Dar beyzun's publications.
30. Novi, M. (n.d), *al-Majmoo* (Arabic), vol. 16, Beirut: Dar al-Fikr.
31. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH), *Mofradat al-Alfaz al-Qur'an* (Arabic), Beirut: Dar al-Qalam.

32. Saduq, M. (1413 AH), *Man La Yahdhrh al-Faqih* (Arabic), Research by Ghaffari A., Vol. 2 & 3, Mohaghegh, Qom: Daftar Entesharat Islami.
33. Saduq, M. (2006), *Elal al-Sharaye* (Arabic), Vol. 1, Qom: Davari Bookstore.
34. Salari, I., Mo'in, L. & Haghighi S. (2013), "Study of the relationship between patriarchal culture, homosexuality, marital conflicts between married female nurses and teachers"(Farsi), *Women and Family Studies*, Vol. 6, No. 19, p. 95-114.
35. Sdorow, Lester M. (2014), *Psychology* (in English), translated by Jahanbakhsh Sadeghi, Eighth Edition, Tehran: Samt.
36. Shah Abdolazimi, H. (1983), *Tafsir Esna Ashari* (Arabic), Vol. 10, Tehran: Miqat.
37. Sharif Morteza, A. (1417 AH), *al-Naseriyat* (Arabic), Tehran: Rabetat al-saghafa va al-Alaghat al-Islamiya.
38. Tabarani, S. (2008), *al-Tafsir al-Kabir Tafsir al-Quran al-Azim* (Arabic), vol. 4 & 6, Jordan: Dar al-Kotob al-Thaqafi.
39. Tabari, M. (1412 AH), *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Arabic), vol. 2, 28 & 29, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
40. Tabarsi, F. (1412 AH), *Tafsir Javame al-Jame* (Arabic), Qom: Markaz Modiryat Hoze Elmye Qom.
41. Tabarsi, F. (1993), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Arabic), edited by Fazlullah Yazdi Tabatabai, Vol. 5 & 10, Third Edition, Tehran: Naser Khosrow.
42. Tarihi, F. (1996), *Majma al-Bahrain* (Arabic), research by Ahmad Hosseini Eshkevari, vol. 5, Third Edition, Tehran: Mortazavi.
43. Tha'labi, A. (1422 AH), *al-Kashf va al-Bayan al-Ma'ruf Tafsir al-Thalabi* (Arabic), vol. 9, research by Ibn Ashur, Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi.
44. Tostari, S. (1423 AH), *Tafsir al-Tostari* (Arabic), Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, vol. 1, publications of Mohammad Ali Beizoon.
45. Tusi, M. (n.d), *al-Tibyan Fi Tafsir al-Quran* (Arabic), corrected by Ahmad Habib Ameli, vol. 10, Beirut: Maktab al-Alam al-Islami.
46. Vahedi, A. (1415 AH), *al-Vajiz Fi Tafsir al-Kitab al-Aziz* (Arabic), Research by Adwan Dawani Davoodi, Vol. 2, First Edition, Beirut: Dar al-Qalam.
47. Zamakhshari, M. (1417 AH), *al-Fayeq Fi Gharib al-Hadith* (Arabic), Vol. 2, Beirut: Dar al-Kotob al-Elamiya.



 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی